

جرایم زیست محیطی در نظام حقوقی افغانستان

خدابخش هجرانی

انسان موجودی است که در تعامل با طبیعت بوده و در ابتدای خلق، مغلوب و مقهور طبیعت و محیط پیرامون خود بوده است. اما بعد ها (زمانی که انسان متمدن شد و به صنعت و تکنالوژی دست یافت) بر طبیعت و محیط پیرامون خود غالب گردید و دست به ارتکاب جرایم زیست محیطی می زد.

بنابر این، وقتی که مردم متوجه شدند که محیط زیست در اثر افعال آنها تخریب و آلوده شده و به نابودی کشانیده شده است و این تخریب و آلودگی سلامت آنها را تهدید نموده است، وارد مرحله ی مسالمت آمیز شدند. در این مرحله کشور ها قوانین و مقررات، اصول و اعلامیه هایی را در سطح ملی و بین المللی راجع به محیط زیست به تصویب رسانیدند. هدف از تصویب قوانین، مقررات، اصول و اعلامیه ها این بود که از تخریب و آلودگی زیست محیطی جلوگیری کرده و محیط زیست را سالم نگهدارند تا جان شان در خطر نباشد.

حال سؤالاتی که مطرح می گردد چنین است: منظور از جرایم زیست محیطی چیست؟ مصادیق جرایم زیست محیطی کدام هایند؟ جرایم زیست محیطی چه پیامد هایی را به دنبال خواهند داشت؟ آیا قانون گذار افغانستان مجازاتی برای عاملین جرایم زیست محیطی در نظر گرفته است؟

در پاسخ به سؤالات فوق می توان گفت: جرایم زیست محیطی، به هر نوع فعل و ترک فعلی گفته می شود که منجر به تخریب و آلودگی محیط زیست گردیده، سلامت و حیات انسان را به مخاطره اندازد. همچنان با توجه به مفاد فقره ۱ ماده ۸۰۷ کود جزا افغانستان «هر گاه اگر شخصی، مواد مضره یا مواد آلوده کننده را در آب، خاک، هوا یا زمین به اندازه ای که کیفیت فیزیکی، کیمیاوی یا بیولوژیکی آن ها را طوری که به انسان یا سایر موجودات زنده، گیاهان یا بناها مضر باشد، پخش یا مخلوط کند، مرتکب جرم زیست محیطی شده است.»

محیط زیست به طور کلی در برگیرنده محیطی است که انسانها و حیوانات در آن زندگی می کنند و به این اعتبار، جرایمی که علیه آن به وقوع می پیوندد، به نحوی این جرایم برگشت پیدا میکنند به انسان. چون در نهایت، این انسان است که از منابع طبیعی (حیوانات و نباتات) استفاده می کند.

در باب مصادیق جرایم زیست محیطی می توان گفت: قلمرو مصادیق جرایم زیست محیطی بسیار وسیع و گسترده است. مهمترین مصادیق جرایم زیست محیطی که قانون گذار افغانستان در کود جزا آنها را جرم انگاری نموده و

برای مرتکبین آن مجازات در نظر گرفته است، عبارت اند از: آلوده کردن آب، خاک، هوا، قطع بی رویه درختان، تخریب جنگلات، مراتع و ساحه سبز، انداختن مواد سمی و مکروبی در چاه و مخزن آب، تولید و توزیع مواد نفتی بی کیفیت، انداختن زباله ها، ریختن فاضلاب، ایجاد نمودن سیلاب و...

آلوده کردن آب، خاک و هوا از مصادیق بارز جرایم زیست محیطی به شمار می آیند. اگر آلودگی توسط شخصی در نقطه ای به وجود آید، در نقاط دیگر نیز سرایت خواهد کرد. به عنوان مثال؛ اگر شهر کابل آلوده شود، شهر های مجاور نیز آلوده خواهند شد. یا اینکه اگر کشوری آلوده باشد کشور های همجوار نیز آلوده می شوند.

از سوی دیگر؛ جنگلات، ساحه سبز، درختان و مراتع نیز در زندگی ما انسان ها نقش مهمی را ایفاء می کنند. باتوجه به اهمیت آنها در زندگی انسان و منبع در آمد بودن آنها و رشد اقتصادی کشور است که قانون گذار افغانستان قطع و تخریب آنها را جرم دانسته و برای مرتکبین آن مجازات در نظر گرفته است.

در واقع بحران زیست محیطی یا جرایم زیست محیطی، امروزه یک مسأله ی است که توجه مجامع ملی و بین المللی را به خود معطوف نموده است. بشر امروزی باتوجه به پیشرفت و دست یابی آن به تکنالوژی، دست به ارتکاب جرایم زیست محیطی می زند که نتیجه آن، تخریب، آلودگی و انهدام محیط زیست است. پس هر گاه اگر محیط زیست توسط شخصی تخریب و آلوده شود، این تخریب و آلودگی پیامد های خطیر و مرگ باری را برجای می گذارد که در نهایت انسان دچار مشکل شده و مبتلا به انواع از بیماری ها خواهد شد.

باتوجه به آثار شوم، مخرب و مرگباری که جرایم زیست محیطی بر زندگی بشر، حیوانات و طبیعت بر جای می گذارد، کشور ها در عرصه داخلی و همچنین در سطح بین المللی قوانین، مقررات، اصول، اعلامیه ها و کنوانسیون های، راجع به محیط زیست وضع نموده و جرایم زیست محیطی را که باعث تخریب و آلودگی محیط زیست می شود و سلامت انسان را تهدید می کند، جرم انگاری نموده اند تا از این طریق بتوانند از قوع جرایم زیست محیطی جلوگیری به عمل آورند.

امروزه همه انسان ها در استفاده از محیط زیست، با یکدیگر همبستگی دارند. باتوجه به این همبستگی است که کشور ها برای حفاظت از محیط زیست علاوه بر قوانین داخلی بر یک سیری اصولی کلی حاکم بر محیط زیست نیز توافق دارند. اصول کلی حاکم بر محیط زیست همانند اصول کلی حقوق، از جمله اصولی هستند که نه تنها در عرصه داخلی بلکه در عرصه بین المللی نیز مورد پذیرش واقع شده و در قوانین داخلی و همچنان اسناد بین المللی از جمله اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲، ريو ۱۹۹۲ و منشور ۲۱ به این اصول پرداخته شده است. بر اساس این اعلامیه

ها، کشورها ملزم به رعایت این اصول، از جمله: اصل حفظ تعادل محیط زیست، اصل انصاف، اصل حق آگاهی و مشارکت، اصل توسعه پایدار، اصل پیشگیری، اصل احتیاطی، اصل جبران خسارت و... می باشند. هدف این اعلامیه ها رسیدگی به مسائل زیست محیطی و آثار فعالیت های بشر بر محیط طبیعی می باشد. این اصول در واقع باعث تحقق اهداف محیط زیست می شود.

بنابراین؛ کشورها در قوانین خود جرایم زیست محیطی و افعالی را که منجر به آلودگی و تخریب محیط زیست می شود، جرم انگاری نمودند تا مرتکبین جرایم زیست محیطی به سزای اعمال شان برسند. کشور ما افغانستان نیز برای حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از جرایم زیست محیطی قوانینی را به تصویب رسانید است. از جمله: قانون محیط زیست مصوب (۱۳۸۵) قانون آب، قانون مربوط به جنگلات، مقرره کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا، مقرره ارزیابی اثرات زیست محیطی و همچنان کود جزا که جدیداً در سال (۱۳۹۶) به تصویب رسیده است، قانون گذار افغانستان در باب یازدهم در پنج فصل جرایم زیست محیطی را جرم انگاری نموده و برای مرتکبین آن مجازات در نظر گرفته است.

سؤال دیگری که مطرح می گردد این است که آیا واقعا عاملین جرایم زیست محیطی به سزای اعمال شان می رسند یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال می توان گفت: باتوجه به صراحت مواد قانونی، باید عاملین جرایم زیست محیطی به سزای اعمال شان برسند. اما در رابطه به اینکه مجرمین جرایم زیست محیطی به سزای اعمال شان می رسند یا نه می توان گفت: به ندرت پیدا شود کسی یا کسانی که در اثر ارتکاب جرم زیست محیطی دست گیر شده و به سزای اعمالش رسیده باشد.

ممکن کسی یا کسانی که جرم زیست محیطی را بصورت فاحش و آشکارا انجام میدهند، (مثلا دست به تولید یا توزیع مواد نفتی بی کیفیت می زنند یا اینکه مواد سمی یا مکروبی را در چاه یا مخزن عامه می اندازند. یا اینکه بصورت آشکارا هوا را آلوده می سازند و...) مجازات شوند. اما در کل بنظر می رسد عاملین جرایم زیست محیطی در کشور ما افغانستان به سزای اعمالشان نمی رسند.

پس در نهایت می توان گفت: میزان وقوع جرایم زیست محیطی در کشور ما افغانستان بسیار بالا است. متأسفانه شهروندان افغانستان بدون در نظر داشت قانون دست به ارتکاب انواع جرایم زیست محیطی می زنند. این خود، ناکارائی قانون و بی کفایتی نهاد هایی ذی دخل را نشان می دهد.